



سَيِّدَةُ الْمَرْئِيَّاتِ

خونت نوشت بر تن تاریخ تا ابد
هر کس شود فدایی رهبر مقدس است



عزیزانی که در مسائل و جریان اقتصاد وارد هستند، می‌دانند در اقتصاد خُرد اصلی به نام پایین‌آوردن هزینه تولید و بالا بردن سود در جریان تولید هست. می‌گویند هر مقداری که هزینه پایین‌تر باشد، سود بالاتر است. وقتی محصولی را می‌خواهند تولید کنند، باید محاسبه کنند هزینه تولید آن به حداقل برسد. به هر میزانی که هزینه پایین می‌آید، سود هم بالا می‌رود. این اصل را در اقتصاد خانواده، در رشته اقتصاد، به عنوان اصلی مهم حساب کردند. می‌گویند در اقتصاد خانواده باید پایه مخارج به حداقل برسد و چیزی که در اقتصاد مطرح است، ایجاد رفاه مطلوب است. برای رفاه مطلوب، هر چقدر خرج و هزینه لازم است، ما باید به حداقل برسانیم. اگر توانستیم در ایجاد رفاه مطلوب در کانون خانواده هزینه را به حداقل برسانیم و پایه هزینه را پایین بیاوریم، در این صورت اقتصاد خانواده به خوبی اداره می‌شود.

الان مشکلی که در جامعه ما و در میان مردم ما هست، همین مسئله مصرف در اقتصاد خانواده است. متأسفانه در خانواده‌هایمان چیزی که به عنوان فرهنگ به وجود آمده، فرهنگ بسیار باطل و ناهنجاری هم هست، این است که در جریان اقتصاد خانواده سطح هزینه را ما بالا می‌بریم. در وضع اداره زندگی‌ها می‌بینیم همیشه مصرف و هزینه به مراتب بیشتر از آن مقداری است که برای رفاه مطلوب در زندگی خانوادگی لازم هست. در مصرف مواد غذایی، مصرف آب، مصرف برق، بنزین، مصارف مختلفی که ما داریم، این‌ها را در حد یک ریخت و پاش

خطبه اول



الحمد لله المتفرد بالكبرياء و أشهد أنه المتوحد بتدبير الارض و السماء و أشهد أن محمداً رحمة للوراء و أكمل الكملاء و أفضل السفراء و خاتم الأنبياء و أشهد أن أمير المؤمنين على ابن أبي طالب و أولاده المعصومين هم المحجة البيضاء و منقذ البشر من الضلالة و العمى. اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان صلوات الله عليه عن جميع المؤمنين و المؤمنات في مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها و برّها و بحرّها حيّهم و ميّتهم و عثّا و عن والدينا من الصلوات و التحيات زنة عرش الله و مداد كلماته و منتهى رضاه و عدد ما أحصاه كتابه و أحاط به علمه...

تجمل گرایه، آفت فرهنگ اقتصاد

همه شما و خودم را سفارش می‌کنم به تقوای الهی.

بحثی که در خدمت شما بزرگواران ارائه می‌کردیم عبارت از آموزه‌های فاطمی بود. یکی از آموزه‌های فاطمی، آموزه آن حضرت در اقتصاد خانواده است. امروز مسئله مهم زندگی اجتماعی ما مسئله اقتصاد است. اقتصاد و فرهنگ دو استوانه‌ای هستند که بار زندگانی اجتماعی ما را می‌کشند و برای ما تشکیل بنیان زندگی می‌دهند. اقتصاد از مسائل مهم زندگانی امروز ماست. همه دنبال این هستند علت بی‌ثباتی اقتصادی و مشکلاتی که در اقتصاد پیش می‌آید، را توجه کنند و راه حل آن را هم پیدا کنند. مشکلات اقتصادی ما تنها در اقتصاد جامعه به طور کلی نیست؛ در اقتصاد جمعی نیست. مشکلات اقتصادی ما از اقتصاد خانواده سرچشمه می‌گیرد. چون در زندگی خانوادگی ما، اقتصاد در جریان صحیحی قرار ندارد، این فساد اقتصادی خانواده به اقتصاد جامعه سرایت می‌کند و جریان اقتصادی کل کشور را دچار آسیب می‌کند. برای ما مهم است، که اقتصاد خانواده را بدانیم و ببینیم اشکالش کجاست و راه حلش کجاست.



پیغمبر ﷺ مسلط شد که کسی نتوانست از ایشان سؤال کند: آقا چه وحیی نازل شده؟ علت غصه شما چیست؟ چه کنیم که ما علت غم پیغمبر را بفهمیم. به این گونه‌ای که پیغمبر ناراحتند، اصلاً کسی نمی‌تواند با پیغمبر ﷺ صحبت کند. سلمان گفت: من علاجش را می‌دانم: پیغمبر اکرم ﷺ هر وقت میوه دلشان صدیقه اطهر ﷺ را می‌بینند، بی‌اختیار متبسم می‌شوند و لبخند می‌زنند. ما در خانه حضرت زهرا ﷺ برویم تا بیاید خدمت پیغمبر ﷺ قرار بگیرد. پیغمبر ﷺ با دیدن فاطمه خوشحال می‌شود و ما علت غم را از حضرت سؤال کنیم.

سلمان در خانه صدیقه اطهر ﷺ را زد. فاطمه ﷺ به پشت در آمدند. سلمان عرض کرد: پیغمبر اکرم ﷺ حال حزن پیدا کرده‌اند، اصحاب به این نتیجه رسیده‌اند، شما خدمت پیغمبر ﷺ بیایید، پیغمبر با دیدن شما متبسم بشوند و ما علت غصه را از آن حضرت سؤال کنیم. حضرت چادر به سر انداختند، از خانه خارج شدند.

سلمان نگاهی به صدیقه اطهر ﷺ انداخت، چادر آن حضرت را دید، شروع کرد به گریه کردن. حضرت فرمودند: سلمان چرا گریه می‌کنی؟ گفت: ای دختر پیغمبر، من دارم می‌بینم این چادر شما دوازده وصله از لیف خرما دارد. شما دختر پیغمبر هستید، عزیزترین عزیزان روی کره زمین شما هستید، چادری پوشیده‌اید که دوازده وصله از لیف خرما دارد. خوب من ناراحت شدم.

صدیقه اطهر ﷺ آمدند خدمت پیغمبر ﷺ. پیغمبر اکرم ﷺ تا چشمشان به فاطمه ﷺ افتاد، متبسم شدند و آن سایه حزن از صورت پیغمبر ﷺ کنار رفت. اصحاب پرسیدند: یا رسول الله! علت

و به تعبیر قرآن در حد تبذیر انجام می‌دهیم و خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ»^۱ آن‌هایی که در زندگی اهل ریخت و پاش هستند، برادران شیاطین هستند. یعنی اقتصاد خانواده از اینجا ضربه می‌خورد.

متأسفانه در توسعه تجمل هم در کانون زندگی خانوادگی ما، حد و مرزی وجود ندارد. چرا مسئله خودرو در جریان اقتصاد کشور ما به عنوان مشکلی غیرقابل حل درآمده است؟ عامل آن توسعه تجمل در اقتصاد خانواده است. یعنی آقای اتومبیل دارد، خب با این اتومبیل امور حمل و نقل او تأمین می‌شود، رفت و آمد او درست می‌شود، حتماً باید آن را عوض کند، یک اتومبیل مدل بالاتر بگیرد؟! این توسعه تجمل، بزرگ‌ترین عاملی است که اقتصاد خانواده را به هم می‌زند. اسراف فقط این نیست که نان زیادی را دور بریزیم یا غذای زیادی را دور بریزیم؛ این‌ها یک مصداق اسراف است. اسراف بدتر این است که ما به خاطر توسعه تجمل هزینه زندگی و خانه را از آن مقدار لازم که مطابق شئون ما است و تأمین‌کننده رفاه مطلوب ما هست، بالاتر ببریم. شما مشاهده می‌کنید یک آقای کارمند، همین‌قدر یک مقدار مزایایش که اضافه شود، حقوق بیشتری بگیرد، چند برابر این حقوق می‌رود وام می‌گیرد، زندگی را توسعه دهد، فرش خانه را عوض کند، خود منزل را تغییر بدهد، مدل اتومبیل را عوض کند. چرا؟ خوب این‌ها همه‌اش اسراف و به هم زدن اقتصاد خانواده است.

بک زندگی فاطمه، نسخه شفا بخش

زندگی‌ای که در به حداقل رساندن مخارج در زندگی در برابر رفاه مطلوب می‌توانیم از او درس و الگو بگیریم، زندگی خانوادگی صدیقه اطهر ﷺ است. اصحاب در محضر پیغمبر اکرم ﷺ نشسته بودند. وحی بر پیغمبر ﷺ نازل شد و پیغمبر ﷺ فوق‌العاده غمگین شدند. آن‌قدر پیغمبر ﷺ محزون شدند و حزن و غصه چنان بر چهره

غصه شما چه چیزی بود؟ حضرت فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و این آیه را آورد که هیچ کس نیست مگر اینکه وارد دوزخ می شود. «وَإِنْ مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا»^۲

هر کدام از شما وارد جهنم می شوید. حالا ورود ما قطعی است، اما خروج ما چه خواهد شد؟

صدیقه اطهر علیها السلام به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: پدر، من از خانه بیرون آمدم، چشم سلمان به چادر دوازده وصله من افتاد، شروع کرد به گریه کردن. ولی سلمان خبر ندارد، پنج سال هست من و علی با هم زندگی می کنیم. در اتاقمان به جای فرش و حصیر، ریگ بیابان پهن کرده ایم. در گوشه اتاق فقط پوست گوسفندی است که وقتی شما تشریف می آورید روی آن بنشینید؛ شب ها هم رختخواب حسن و حسین من، روی همان پوست باشد. این جور زندگی می کنیم.

خب این زندگی فاطمه (س) است؛ یعنی می شود زندگی را تا این حد پایین آورد.

ساده زیسته در حال دلای؛ لوک فاطمه

صدیقه اطهر علیها السلام که این طور زندگی می کردند از ناداری بود؟! یک خانواده فقیری بودند؟! آدم فقیر، ملزم است این طور زندگی کند. مجبور است آدم فقیر، وقتی ندارد این طور زندگی کند. نه، اینها فقیر نبودند، اینها نادار نبودند. وقتی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به فرمان خدا فدک را به صدیقه اطهر علیها السلام بخشیدند و دو سال در پایان عمر پیغمبر صلی الله علیه و آله، فدک در تصرف امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام بود. فدک را حضرت اجاره دادند به جوده های فدک. در هر سال هشتاد هزار دینار اجاره فدک بود که صدیقه اطهر علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام این هشتاد هزار دینار طلا را دریافت می کردند. این غیر از حوائط السبعة بود. هفت باغ مال مخیربیک یهودی بود که به پیغمبر صلی الله علیه و آله بخشیده بود. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله این هفت باغ را هم به فاطمه

زهرا علیها السلام بخشیدند. خود امیرالمؤمنین علیه السلام در آن نخلستان ها کار می کردند. غیر از درآمد آن هفت باغ، تنها فدک هشتاد هزار مثقال طلا اجاره یک سالش بود. اجاره را سکه های طلا و نقره، بار بر استر می کردند، اول سال می آوردند در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام. هشتاد هزار مثقال طلا، هشتاد هزار دینار در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام پیاده می شد.

فقرای مدینه و اطراف مدینه می فهمیدند امروز روز آمدن مال الاجاره فدک است، صف می کشیدند. امیرالمؤمنین علیه السلام در خانه می نشستند، تمام این پول ها را، این سکه ها را بین فقرایی که به صف کشیده بودند تقسیم می کردند. تمام می شد، وارد خانه می شدند. با این ثروت، این خانواده این طور زندگی می کردند.

در سال دوم عواید فدک را در خانه صدیقه اطهر علیها السلام آوردند. وقتی که این سکه ها پیاده شد، افراد صف کشیدند. جمعیت زیاد بود. تقسیم تا پاسی از شب طول کشید، تمام شد. آقا امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند داخل خانه؛ به صدیقه اطهر علیها السلام فرمودند: «زهرا ی من، خسته و گرسنه هستم، یک غذایی بیار که بخورم.» فاطمه علیها السلام جوابی ندادند. دفعه دوم مولا فرمودند: «من هم خسته ام، هم گرسنه؛ یک چیزی بیار گرسنگی ام برطرف شود.» باز هم حضرت جوابی نداد. دفعه سوم که مولا فرمود من گرسنه ام، صدیقه اطهر علیها السلام (س) فرمودند: «من هم گرسنه ام، حسن و حسین هم گرسنه اند. در خانه چیزی نداریم که بیاوریم شما میل کنید.» حضرت ناراحت شدند: «در خانه چیزی نبود، چرا قبلاً به من نگفتید غذایی نداریم؟» صدیقه اطهر علیها السلام فرمودند: «پدرم به من دستور داد هیچ وقت از علی چیزی نخواه؛ نکند آن لحظه ای که از علی چیزی می خواهی، آن وقت علی نتواند آن را تهیه کند.»

.....

۱. اسراء، ۲۷.
۲. مریم، ۷۱.
۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۲.



خطبه دوم:

گسترش عقبه بسیج راهبرد اصلی مقابله با دشمن

انقلاب قرار بگیرند. مقام معظم رهبری اشاره فرمودند برای اینکه انقلاب در نسل‌های آینده و بعدی ما هم ادامه پیدا کند، بایستی بسیج روز به روز، در وسعت و قدرت بیشتری بر جریان اجتماعی ما حاکم باشد.

اما چیزی که ما از فرمایشات مقام معظم رهبری دیشب به عنوان یک نکته خاص بهره‌مند شدیم، این بود که فرمودند بسیج دو فصل دارد. فصل اول، جریان ساختار تشکیلاتی بسیج است؛ جریانی در تحت فرماندهی سپاه پاسداران، با یک تشکیلات خاص به‌عنوان قدرت و بدنه نیرویی این نهاد مقدس محور اقتدار نظام، بسیج انجام وظیفه می‌کند از نظر تشکیلاتی.

فصل دوم بسیج، عقبه بسیج است. تشکیلات بسیج در سپاه است؛ اما عقبه بسیج در مردم است. مردم بسیجی‌اند. فرمودند تمام کسانی که با اخلاص برای این کشور، برای این نظام، برای این مردم و برای اسلام قدم برمی‌دارند، در عرصه‌های مختلف، عرصه‌های سازندگی، عرصه‌های فناوری، عرصه‌های خدماتی، عرصه‌های دفاعی، عرصه‌های ابزارسازی دفاعی، همه این‌ها بسیجی هستند. این عقبه بسیج است.

چیزی که برای ما لازم است، حفظ عقبه بسیج

همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم. امروز روز نیروی دریایی و این هفته هم هفته بسیج است. در مورد فعالیت نیروی دریایی، امیر بزرگوار سیاری آنچه لازم بود، بیان فرمودند. مقام معظم رهبری علیه‌السلام در فرمایش‌هایی که دیشب در گفت‌وگو با مردم داشتند، عظمت بسیج و اهمیت بسیج را بیان کردند.

از اول پیروزی انقلاب، بسیج غیر از تمام برکاتی که در عرصه‌های مختلف، عرصه سازندگی، عرصه مبارزاتی و جنبه‌های دفاعی داشته است، آنچه که به عنوان یک جریان قطعی انقلاب، بزرگ‌ترین برکت حساب می‌شود، این است که بسیج نسل ما را در جریان انقلاب حفظ کرد. نسلی که امام را ندیده بود، نسلی که پیروزی انقلاب را ندیده بود، نسلی که حتی دفاع مقدس را هم درک نکرده بود، بسیج این نسل را تا به امروز در عرصه انقلاب حفظ کرد و بسیج بستری شد برای اینکه نسل‌های ما در جریان



است. ساختار بسیج در سپاه الحمدلله محفوظ است و در تحت یک فرماندهی بسیار مدبرانه اداره می‌شود. چیزی که مهم است این است که ما عقبه بسیج را در کشور و جامعه خودمان گسترش بدهیم. هر چقدر عقبه بسیج در کشور و جامعه گسترش پیدا کند، به همان اندازه بسیج قوی‌تر، انقلاب در نسل ما زنده‌تر، تداوم انقلاب با حاکمیت بیشتر، و از همه بالاتر، زمینه ظهور و فرج مولا آماده‌تر خواهد شد.

آنچه مسلم است، دشمن در مقام استیصال دست به تهدید می‌زند. ببینید برادران، این حالت یک سگ است؛ سگ اگر بخواهد حمله کند، حمله می‌کند. اگر این سگ خیلی غرش می‌کند و خیلی پارس می‌کند، دلیلش این است که جرئت حمله کردن به شما را ندارد. تقریباً امریکا امروز چنین حالتی به خود گرفته است. یعنی سگی که فقط پارس می‌کند و کانه قدرت حمله کردن ندارد. البته درصدد ضربه زدن هست، درصدد هر اقدام سوئی علیه ما هست.

تهدید نشان استیصال دشمن است، نشان ضعف دشمن است. امروز یک دشمن دارد ما را تهدید می‌کند. تنها علاجی که ما در برابر تهدید دشمن داریم، در واقع دشمن هم از همین می‌ترسد، این است که ما عقبه بسیج را در جامعه خودمان توسعه بدهیم. تا آنجایی که می‌توانیم بسیجی اضافه کنیم. یعنی عزیزان ما بیایند در عرصه فداکاری در راه این نظام بایستند. در هر سمتی، در هر مقامی، در هر موقعیتی، در هر تخصصی، مخلصانه برای خدا خدمت به این انقلاب و نظام را به دوش بگیرند. دشمن ببیند که نظام مال یک جریان خاص نیست، نظام یک جریان ارزشی

متعلق به همه ملت است. راه توسعه عقبه بسیج، تولید فضای مقاومت در داخل کشور و در داخل جامعه است. مقام معظم رهبری فرمودند: «ایران زادگاه مقاومت است.» مقاومتی که امروز بخشی از آن در عراق، بخشی در لبنان، بخش عمده‌ای در یمن و خیلی نقاط مسلمان‌نشین، همه دلدادگان پیغمبر و دین را آورده در عرصه حمایت از اسلام و حاکمیت. این مقاومت زادگاهش در ایران است و زادگاهش بسیج است. بسیج در واقع مولود مقاومت است. پس زادگاه مقاومت در ایران است.

این‌طوری که مقاومت دارد توسعه پیدا می‌کند، در آینده نزدیک، نظم نوین کره زمین، مقاومت خواهد شد. حاکمیت روح مقاومت در همه ملت‌های مسلمان خوشبختانه به وجود آمده است. در بعضی جاها مثل یمن، مثل لبنان، مثل عراق، این روح مقاومت در افراد خودش را نشان می‌دهد. در جای دیگر هم، مثل بحرین، که دولت‌های استکباری دست‌نشانده امریکا حکومت می‌کنند، ممکن است روح مقاومت نشان دهند با برخورد روبرو بشوند؛ ولی مقاومت بر آن‌ها حاکم است. از همه بالاتر، مقاومت کشورهای اروپایی حتی خود امریکا را هم تحت‌تأثیر قرار داده است.

جبهه عملیاتی و تهدیدات دشمن

تظاهراتی که امروز در مقام دفاع از غزه و فلسطین در کشورهای غربی رخ می‌دهد، این تظاهرات به مسئله فلسطین و غزه تمام نخواهد شد. این حرکات و شعارها توسعه پیدا می‌کند، به جایی می‌رسد که به صورت یک بلای دامنگیر، هم دامن امریکا را می‌گیرد و هم دامن اروپا را. خود آن کشورها به این مبتلا خواهند شد که جریان مقاومت در آنجاها به صورت یک جریان توفنده و کوبنده در می‌آید و در مقابل این جریان مقاومت نمی‌توانند حکومت کنند.

برادران و خواهران، این واقعیت را دشمنان ما درک کرده‌اند: اول اینکه این کشور، زادگاه

امر به معروف و نهی از منکر را انجام بدهند. خدای نکرده برخورد خصمانه با مرتکب منکر یا با تارک معروف نداشته باشند. با حرکت و تبیین منطقی و عاطفی امر به معروف و نهی از منکر کنند.

از آن طرف هم افرادی اگر بخواهند خواسته‌های نامشروع خودشان را در کشور اجرا کنند، باید توجه کنند این خواسته‌های نامشروع، عواطف متدینین را جریحه دار می‌کند. وقتی بنا شد متدین این وضع ناهنجار برهنگی و لاابالی را وسط خیابان ببینند، عاطفه دینی‌اش جریحه‌دار می‌شود.

برای حفظ وحدت، مسئولین ما موظفند هر دو جهت را حفظ کنند. هم این جهت حفظ بشود که برخورد خشن با فاعل منکر و با تارک معروف نشود. برخورد منطقی و عاطفی، روی حساب علاقه و محبت باشد. از آن طرف هم حساب کنند عواطف قشر متدین جریحه‌دار نشود در مقابل این مفاسدی که در عرصه‌های جامعه و در خیابان می‌بینند. نه اینکه فکر کنند حالا چون مردم می‌خواهند، پس ما باید برای وحدت بیایم همه‌کار را آزاد بگذاریم. بعد هم متأسفانه بعضی از مسئولین ندانسته، ناآگاهانه کمک هم کنند به توسعه فساد. ما در این استانمان توقع نداریم این عرصه اجرا شود. ما برای حفظ فضای مقاومت، باید سعی کنیم فضای مشروعیت در کشور توسعه پیدا کند. و از طرفی هم برای



مقاومت است. اگر مقاومت در این کشور فروکش کند، در همه جای دنیا فروکش می‌کند. این را تشخیص دادند؛ لذا دنبال این هستند جریان مقاومت را از درون کشور ما براندازی کنند. راهی را که انتخاب کردند، انتخاب یک‌عده مزدوران داخلی برای توسعه بی‌بندوباری و لاابالی‌گری و فسق و فجور و منکرات در فضای کشور است. اگر فضای کشور فضای فسق و فجور، فضای بی‌حجابی، فضای برهنگی شد و فضای انواع منکرات و انواع حرکت‌های ناهنجار در این کشور توسعه پیدا کند، فضای مقاومت را از این کشور می‌گیرد. اگر فضای مقاومت گرفته شد، مقاومت در اینجا فروکش می‌کند و اگر مقاومت در اینجا فروکش کرد، در همه جای دنیا فروکش می‌کند. دشمن این را تشخیص داده؛ لذا یک جبهه دیگری برای ما باز کرده: تهدید به جنگ نظامی. این یک تهدید است. اما جبهه‌ای که دشمن دارد عمل می‌کند و برای تثبیت آن تهدید وارد عملیاتش شده است، جبهه بی‌بندوباری، لاابالی‌گری، برهنگی، عیاشی، فسق و فجورهای نامشروع در داخل کشور و در فضای کشور است. این جبهه عملیاتی دشمن است. جبهه نظامی، جبهه تهدیداتی دشمن است. این جبهه، جبهه عملیاتی دشمن است. دشمن واردش شده است؛ لذا باید درمقابلش بایستیم و نذاریم این فضا بر جامعه ما مسلط بشود. اگر این فضا مسلط شد، اساس انقلاب و اساس مقاومت را این فضا از بین می‌برد.

مقام معظم رهبری علیه السلام نکته دومی که داشتند این بود که وحدت یک گوهر گرانبهایی است که در جنگ دوازده روزه به وجود آمد، امریکا و اسرائیل را بدبخت و ناامید کرد. فرمودند این وحدت را حفظ کنید. این دستور رهبری است که وحدت را حفظ کنیم. ما می‌خواهیم حفظ کنیم. همه افراد با همه فکرها، با همه سلیقه‌ها، با همه نظریه‌ها، همه با هم یکی بشوند در برابر دشمن.

خوب از این طرف در مقام حفظ وحدت، به متدینین می‌گوییم آقا، امر به معروف و نهی از منکر که دارند، در یک شکل منطقی و عاطفی،



ظهور مولایمان روز به روز در دنیا آماده‌تر بشود،
به همه ما کرامت بفرما؛
خدایا، نقطه عزت اسلام و مسلمین، نقطه فرج و
ظهور مولایمان بقیه الله را تعجیل بفرما؛
ارواح مطهر شهدا و روح مطهر امام بزرگوار ما را
از توسعه مقاومت و از پایمردی مردم ما در خط
مقاومت، در پای ستون خیمه این نظام، خشنود
و راضی بگردان؛
پروردگارا، سایه پربرکت مقام معظم رهبری بر
سر ما مستدام بدار؛
دشمنان ناپاک ما در جبهه‌های کفر و نفاق و
استکبار را ذلیل و نابود و ریشه‌کن بفرما؛
پروردگارا، باران رحمت را بر ما نازل بگردان.

.....
۱. مقام معظم رهبری، سخنرانی تلویزیونی خطاب به ملت ایران،
۱۴۰۴/۰۹/۰۶.

حفظ وحدت، همان‌طور که برخورد خشن را از
این طرف درست نمی‌دانیم، جریحه‌دارسازی
عواطف دینی را هم از آن طرف درست نمی‌دانیم.
خانواده شهدا داریم، خون دادند در این راه، جان
دادند، عزیز دادند برای اسلام. تمام شهدایی
که به شهادت رسیدند، همه حرفشان این بود:
یا فاطمة الزهرا (س)؛ پیشانی‌بندشان یامهدی
ادرکنی بوده که رفته‌اند و شهید شده‌اند. اینها
جان دادند که اسلام حاکم بشود؛ نه اینکه تظاهر
ضد دین، آن هم در فجیع‌ترین شکل منکراتی
خودش، در خیابان شهر امام رضا (ع) خودش
را نشان بدهد، عزیزان ما هم در مسئولیت‌ها
ککشان نگزد. این درست نیست.

هم برای حفظ وحدت، ما باید هر دو طرف را
داشته باشیم. هم برای اینکه ما مقاومت را
توسعه بدهیم که با توسعه مقاومت دشمن
ناامید و دنیای اسلام خشنود می‌گردد و دلگرم
می‌شود، بایستی سعی کنیم حرکت‌ها و فضاهایی
که مقاومت را تضعیف می‌کند، در داخل کشور
این فضاها به وجود نیاید.

خدایا، به عزت اولیائت، توفیق انجام وظیفه،
توفیق فداکاری در راه دین، و توفیق این واجب
عملی و قطعی ما که کاری کنیم زمینه فرج و

